

چرا امام علی(ع) بعد از پیامبر(ص) قیام نکرد؟

هر کار مخصوصاً قیام‌های مهم اجتماعی سیاسی نیاز به فراهم شدن شرایط دارد و باید زمینه‌های آن فراهم گردد در غیر این صورت نتیجه‌ای جز ناکامی و شکست و اتلاف نیروها نخواهد داشت.



هر کار مخصوصاً قیام‌های مهم اجتماعی سیاسی نیاز به فراهم شدن شرایط دارد و باید زمینه‌های آن فراهم گردد در غیر این صورت نتیجه‌ای جز ناکامی و شکست و اتلاف نیروها نخواهد داشت.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: نوگرایی در دنیای اسلام در همه جوانب زندگی مسلمانان بروز کرد. از جلوه‌های بروز آن می‌توان به توجه جدی نسبت به منابع اسلامی و نگاهی نو به این منابع و اصولاً نهضت بازگشت به مبانی غنی اسلامی اشاره کرد. کتاب نهج البلاغه که گردآوری بخشی از سخنان و مکاتبات امیرمؤمنان علی (ع) است، به دلیل داشتن مفاهیم و موضوعات، سیاسی منبعی برای حکمت اصول سیاسی اسلام است که توجه همگان را جلب کرده است. میرزای شیرازی و محمد عبده از پیشگامان توجه به نهج البلاغه هستند. در انقلاب مشروطه نهج البلاغه نقش جدی داشت و این نقش برجسته نهج البلاغه را به وضوح می‌توان در کتاب مهم تنبیه الامه و تنزیه المله آیت الله نایینی مشاهده کرد. آیت الله مرتضی مطهری در کتاب نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر در خصوص تأثیر نهج البلاغه بر کتاب میرزای نایینی می‌گوید: انصاف این است که تفسیر دقیق، از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچکس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، میرزا محمدحسین نایینی توأم با استدلال‌ها و استشهادهای متقن، از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی قیمت تنبیه الامه و تنزیه المله بیان نکرده است.

توجه دوباره به نهج البلاغه همزمان با آغاز نهضت اسلامی در اوایل دهه چهل شمسی است و با تأکید امام خمینی و تلاش‌های متفکران و پژوهشگران و فعالان نهضت اسلامی نظیر آیت الله طالقانی، آیت الله خامنه‌ای، شهید مطهری، محمدرضا حکیمی، محمدتقی شریعتی و علی شریعتی و... که در جنبش اسلامی ایران معاصر حضور جدی داشتند، از نهج البلاغه در اخذ اصول حکمت سیاسی اسلام بهره برده شد.

در خطبه پنجم نهج البلاغه آمده است: من خطبة له (عليه السلام) لما قبض رسول الله (صلى الله عليه وآله) و خاطبه العباس و أبو سفيان بن حرب في أن يابعا له بالخلافة (و ذلك بعد أن تمت البيعة لأبي بكر في السقيفة، و فيها ينهى عن الفتنة و بين عن خلقه و علمه): النهي عن الفتنة: أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أُمُوجَ الْفِتَنِ يَسْفُنُ النَّجَاةَ وَ عَرَّجُوا عَن طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ صَعُّوا تَبِجَانَ الْمُفَاخَرَةِ؛ أُلْفَحَ مَنْ نَهَضَ يَجْتَاحُ أَوْ اسْتَسْلَمَ قَارَاحَ. هَذَا مَاءٌ أَجِنٌّ وَ لُعْمَةٌ بَعْضُ يَهَا أَكْلُهَا، وَ مُجْتَنَى الثَّمَرَةَ لَعِيرَ وَ قَتَّ إِنْبَاعِهَا كَالزَّرْعِ يَغْيِرُ أَرْضَهُ.

ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید و از راه اختلاف پراکندگی و دشمنی کنار آبیید و تاج‌های تفاخر و برتری جویی را از سر بنهید! آن کس که با داشتن بال و پر (یار و یاور) قیام کند یا در صورت نداشتن نیروی کافی، راه مسالمت پیش گیرد و راحت شود رستگار شده است. این (زاممداری بر مردم) آبی متعفن و لقمه‌ای گلوگیر است (و اگر فرمان الهی نباشد تن به آن در نمی‌دهم!) (این را نیز بدانید) کسی که میوه را پیش از رسیدن بچیند همانند کسی است که بذر را در زمین نامناسب، همچون کویر و شوره زار بپاشد (که سرمایه و نیروی خود را تلف کرده و نتیجه‌ای عاید وی نمی‌شود!).

در کتاب شرح پیام امام امیرالمومنین (ع) آیت الله مکارم شیرازی آمده است: «بسیاری سوال می‌کنند با اینکه «علی» (علیه السلام) برای خلافت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از همه شایسته‌تر بود و افزون بر این پیامبر بارها بر جانشینی و خلافت او تأکید فرمود، چرا آن حضرت برای گرفتن این حقّ مسلم خویش که در واقع حقّ امت اسلامی بود به پانخاست و قدرت نمایی نکرد؛ بلکه سکوت فرمود و میدان به دست دیگران افتاد؟ پاسخ این سوال به وضوح در عبارت کوتاه و پر معنای این خطبه آمده است؛ و در واقع چند دلیل برای عدم قیام خود ذکر فرموده است:

نخست اینکه کسانی که به او پیشنهاد قیام کرده‌اند مانند «ابوسفیان» به یقین حسن نیت نداشته‌اند و یا مانند عبّاس تحت تأثیر کسانی بود که حسن نیت نداشتند؛ و لذا امام آنان را در این خطبه، فتنه‌جو و برتری طلب خوانده است. دیگر اینکه حضرت به خوبی می‌دید که در مسیر خود تقریباً تنهاست و جز یارانی اندک کسی را ندارد؛ به همین دلیل در بعضی از خطبه‌های نهج البلاغه نیز امام با صراحت می‌گوید: «تنها یاوران من اهل بیت من بودند و من نخواستم آنها را به خطر بیفکنم!» از همه اینها گذشته، حکومت و زمامداری مردم برای امام یک هدف نبود؛ چرا که او آن را آبی متعفن و لقمه‌ای گلوگیر می‌دانست؛ بلکه وسیله‌ای برای احقاق حق و اجرای عدالت و یا دفع باطل می‌دانست. ولی هنگامی که می‌بیند این قیام به این هدف منتهی نمی‌شود، بلکه ایجاد خلاف میان صفوف مسلمین می‌کند و ممکن است منافقان که منتظر بودند از آب گل آلود ماهی بگیرند، برخیزند و اساس اسلام را به خطر بیندازند، چاره‌ای جز سکوت نمی‌بیند.

«ابن ابی الحدید» می گوید: روایت شده است که روزی «فاطمه» (علیها السلام) امام را به قیام ترغیب کرد و در همان حال صدای مؤذن برخاست (أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللَّهِ) امام رو به همسر گرامی اش فاطمه (س) کرد، فرمود: «آیْسُرُّكَ زَوَالُ هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الْأَرْضِ؛ آیا دوست داری این صدا از روی زمین برچیده شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: پس مطلب همان است که من می گویم (باید سکوت و تحمل کرد). از همه اینها گذشته هر کار مخصوصاً قیام های مهم اجتماعی سیاسی نیاز به فراهم شدن شرایط دارد و باید زمینه های آن فراهم گردد و در غیر این صورت نتیجه ای جز ناکامی و شکست و ائتلاف نیروها نخواهد داشت و مانند آن است که میوه نارسیده را از درخت بچینند یا بذر در شوره زار بریزند. امام که از این واقعیت ها با خبر بود، وظیفه الهی خود را در این دید که سکوت را بر قیام ترجیح دهد.»

جهاد دفاعی و ابتدایی

حجت الاسلام محسن قنبریان در سلسله مباحث خود پیرامون درس هایی از نهج البلاغه با عنایت به خطبه پنجم نهج البلاغه گفت: ما باید در سه نحوه مبارزه در میراث اسلامی جدایی قائل شویم چرا که هر یک احکام متفاوتی دارند. نخست یک وقت قیام در درون جامعه اسلامی و در مقابل سلطان جائر و خلیفه غاصب برای تشکیل حکومت ولایی است؛ بسیاری از قیام های علویانی که در صدر اسلام رخ داد از این دست بوده است.

وی افزود: دسته دیگر مبارزه علیه کافران است که جهاد ابتدایی نام دارد و یک وقت دیگر جهاد دفاعی است. گاهی می شنویم که در محافل با گفتمان های دینی بین این دو خلط می شود برای مثال امروز اگر کسی بیاید درباره مسأله غزه و فلسطین و یاری آنان به قسم اول استناد کند و تقیه را مطرح کند اشتباه است. این خطبه ای است که وقتی سقیفه اتفاق می افتد عباس و ابوسفیان می آیند که با امام علی علیه السلام بیعت کنند و ابوسفیان وعده می دهد که من کلی نیروی سواره و پیاده برایتان آماده می کنم که امام علی علیه السلام می فرمایند فلاح و رستگاری برای نهضتی است که جناح و بال داشته باشد؛ بنابراین وجود ناصر در اینجا شرط است. بعد در مقابل پیشنهاد ابوسفیان فرمودند این یک آب گندیده است که به من پیشنهاد می دهی که بخورم …؛ قیام علیه جائر و جوبش منوط به شرایط و نداشتن توالی فاسد است.

این استاد حوزه علمیه به دلایل عدم قیام امام علی علیه السلام اشاره کرد و ادامه داد: علاوه بر خطبه پنجم نهج البلاغه در روایات نیز سه دلیل برای آن اشاره شده است نخست نبودن یار و ناصر است، دوم وداع مؤمنان در اصلاح آنان و سوم خوف از ارتداد و کفر مردم بود. حفظ اسلام ظاهری مصلحت ضروری است و تحقق ولایت یک مصلحتی است که بعد از آن می آید. بنابراین روایات تقیه و مانند آن متعلق به این نوع مبارزه است نه اینکه بعضی بیایند و از آن برای غزه و فلسطین بهره ببرند.

قنبریان درباره جهاد ابتدایی با مشرکان گفت: جهاد ابتدایی با مشرکان براساس فتوای مشهور فقها شرطش حضور معصوم است که تنها به مردان واجب است و امروز محل ابتلاء ما نیست. در خطبه ۱۴۶ امام علی نصیحتی را بیان می فرمایند و بیان می کنند زمامدار مانند یک رشته ای است که مهره ها گرد او جمع می شوند و اگر این رشته ها گسسته شد مهره ها از هم پراکنده می شوند؛ در حال حاضر ماجرای غزه ربطی به جهاد ابتدایی ندارد و در این فضا قرار نداریم و آن چیزی که باید بیشترین دقت را به آن داشته باشیم جهاد دفاعی است.

این کارشناس مذهبی در خصوص جهاد دفاعی گفت: برخی فقهاء تا ۴ قسم برای آن بیان می کنند نخست برای حفظ اساس اسلام در برابر هجوم کفر، به هدف محو اسلام است؛ در اینجا هجوم به شکلی است که اگر آنان بر مسلمانان غلبه کنند تنها تعدادی از مسلمانان آسیب نمی بینند بلکه اساس اسلام را تغییر می دهند و کفر را غلبه می دهند در اینجا محو اسلام صورت می پذیرد و کفر محقق می شود برای همین جهاد دفاعی لازم است.

وی افزود: دومین دلیل در این جهاد برای مقابله و دفع متجاوزان به خون و ناموس مسلمانان چه کافر چه ناصبی است برای مثال زمانی که غارات در زمان امیر (ع) و داعش در زمان ما اتفاق افتاد و عملیات تروریستی صورت می گرفت. و سومین دلیل برای این جهاد برای دفاع از مسلمانانی است که با گروهی از کفار درگیرند و ترس مسلط شدن کفار بر آنان است ولو اساس اسلام در خطر نباشد این دفاع صورت می پذیرد و چهارمین دلیل بیرون راندن کافران اشغالگر از سرزمین اسلامی است چرا که در اینجا کافران بر مسلمانان مسلط شده و بر آنان پیروز شدند اگر با عده و عده به این کافران حمله شود و آنان را از سرزمین اشغالی مسلمانان خارج کنند این جهاد ابتدایی نیست چون آنان یک روزی حمله کردند و حمله به آنان جهاد دفاعی است که اغلب صور این جهاد بی نیاز اذن امام و فقیه بوده و بر مرد و زن، سالم و بیمار و دور و نزدیک واجب است.

وی افزود: کاشف الغطا جهاد دفاعی را برتر از جهاد ابتدایی دانسته است و گفته کشته های آن شهید محسوب می شوند. برخی نیز جهاد دفاعی را مقدم بر دیگر جهاد می دانند. انسان ذلیل نمی تواند ضیم را از خود دفع کند مراد از ضیم ظلم با ننگ

است که شرف انسان را تهدید می کند. مسلمانان نباید به جایی برسند که رفتار ضیم شوند. ننگ بر انسان است که ضیم را بپذیرد امروز برخی مناطق را با خاک یکسان می کنند تا مسلمانان را از آنجا برانند تا اثری از آنان نباشد؛ پذیرش این ظلم ضیم است.